




Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.51430.0>

Spatial Analysis of the Feasibility of the Plan for Organizing Rural Spaces and Centers of Mashhad and its Implications

Hamid Shayan¹

Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Majidreza Katebi

MA in Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Tahereh Sadeghlou

Associate Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Khadijeh Bouzarjomehri

Associate Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 23 December 2020 Revised: 25 May 2021 Accepted: 19 June 2021

Abstract

The plan for organizing rural spaces and centers is recognized as one of the appropriate strategies to establish a platform for sustainable development of the environment, hierarchical organization of rural services and facilities, and optimal distribution of the population. This research aims to evaluate the feasibility of the mentioned plan at the level of rural settlements in Mashhad based on the expected services. Therefore, given the importance of this issue, the present research was conducted at 42 villages in the county, which were randomly selected from centers, districts and satellite villages. In this applied research, which is descriptive-analytical in nature, data collection was conducted through a field survey. The statistical population of this research includes 24,636 households domiciling in the studied villages. Using Cochran's formula, a sample of 375 questionnaires was determined. Moreover, Cronbach's alpha reliability coefficient for demographic (0.78), economic (0.81), social (0.82) variables confirmed the appropriateness of the research tool. The collected data was analyzed by statistical methods using SPSS and GIS software. The extent of service feasibility was analyzed based on specificity coefficient at three rural levels. The frequency and dispersion of mean in the above three levels exhibits a great variance between the capitals of centers and the district and the satellite villages. In other words, in terms of the specificity coefficient, there is not a significant difference between the capital of centers and the districts, but it was


1. Corresponding Author: Email: shayan@ferdowsi.um.ac.ir

significantly greater than that of the satellite villages. As for the economic and demographic effects of the plan, there was not a significant difference between the capitals of centers and the district, but the centers surpassed the district in terms of social conditions.

Keywords: Spatial Analysis, Spatial Organization, Service Specificity Coefficient, Rural Centers of Mashhad



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.51430.0>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

تحلیل فضایی تحقق پذیری طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی شهرستان مشهد و اثرات آن

حمید شایان (استاد گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

shayan@ferdowsi.um.ac.ir

مجیدرضا کاتبی (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

majidreza_katebi@yahoo.com

طاهره صادقلو (دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

tsadeghloo@um.ac.ir

خدیدجه بوزرجمهری (دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

azar@ferdowsi.um.ac.ir

صص ۲۶ - ۱

چکیده

طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی، به عنوان یکی از راهبردهای مناسب به منظور ایجاد بستری برای توسعه پایدار محیط و ساماندهی سلسله مراتبی خدمات و تأسیسات روستایی و توزیع بهینه جمعیت شناخته می شود. هدف از انجام این پژوهش، ارزیابی میزان تحقق پذیری طرح نام برده، در سطح سکونتگاه های روستایی شهرستان مشهد بر اساس خدمات پیش بینی شده است؛ از این رو، با توجه به اهمیت این موضوع، تحقیق حاضر در سطح ۴۲ روستای شهرستان که به صورت تصادفی در سه سطح مراکز مجموعه، حوزه و آبادی های اقماری انتخاب شده اند، صورت گرفته است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت، از نوع توصیفی - تحلیلی است و آمار و اطلاعات آن از طریق روش های میدانی به دست آمده است. جامعه آماری این پژوهش، شامل ۲۴۶۳۶ خانوار ساکن در روستاهای مورد

مطالعه است که با استفاده از فرمول کوکران، نمونه‌ای به حجم ۳۷۵ پرسش‌نامه انتخاب شد. همچنین ضریب اطمینان آلفای کرونباخ مؤلفه‌های جمعیتی ۰/۷۸، اقتصادی ۰/۸۱ و اجتماعی ۰/۸۲، نشان‌دهنده مناسب بودن ابزار پژوهش بوده است. داده‌ها و اطلاعات به دست آمده با روش‌های آماری در قالب نرم‌افزارهای SPSS و GIS تجزیه و تحلیل شد. با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA)، میزان تحقق خدمات، براساس ضریب ویژگی در سطوح سه‌گانه روستاها تحلیل شد؛ تعدد و پراکندگی میانگین برحسب سطوح سه‌گانه، نشان‌دهنده تفاوت زیادی از این لحاظ، میان مراکز مجموعه و حوزه آبادی‌های اقماری است؛ به عبارت دیگر، از نظر ضریب ویژگی، اختلاف زیادی میان مراکز مجموعه و مراکز حوزه وجود نداشته، ولی به مراتب بیشتر از آبادی‌های اقماری است. از لحاظ اثرات اقتصادی و جمعیتی طرح، تفاوت چندانی بین مراکز مجموعه و حوزه نیست، اما مراکز حوزه از نظر اجتماعی شرایطی بهتر از مراکز مجموعه دارند.

واژگان کلیدی: تحلیل فضایی، ساماندهی فضاها، ضریب ویژگی خدمات، مراکز روستایی شهرستان مشهد

۱. مقدمه

یکی از اهداف اساسی در بیشتر کشورهای در حال توسعه، دسترسی جغرافیایی هر چه بهتر جمعیت‌های روستایی به خدمات اساسی است (راشتون^۱، ۱۹۸۴، ص. ۲۱۷)؛ زیرا دسترسی مناسب به خدمات، نقشی بنیادین برای کاهش محرومیت و افزایش روابط اقتصادی و اجتماعی در روستاها دارد (بری^۲، ۲۰۰۴، ص. ۱). فراهم آوردن خدماتی که از لحاظ کیفیت، صرف نظر از محل زندگی، دارای سطح اثربخشی و دسترسی قابل قبولی باشد، برای هر دولتی یک تعهد ملی به شمار می‌رود (آستانا^۳، ۲۰۰۴، ص. ۴۵). این امر به‌ویژه در مناطق روستایی در جدایی‌ناپذیری اماکن مسکونی و محل‌های اشتغال، تأثیرگذار است (اشمیت^۴، ۲۰۰۶، ص. ۷۸۲). همچنین خدمات و زیرساخت‌ها می‌توانند نقش مهمی در مبارزه با محرومیت‌های اجتماعی در مناطق روستایی ایفا کنند و عاملی تعیین‌کننده برای محدود کردن مهاجرت هستند (هالوران^۵، ۲۰۰۵، ص. ۷). بنابراین

1. Rushton
2. Berry
3. Asthana
4. Schmitt
5. Halloran

می‌توان هدف اصلی طرح‌های خدمات‌رسانی را پایداری، نگهداری، پشتیبانی و تکیه‌گاه زندگی در مناطق روستایی دانست (جین^۱، ۲۰۰۷، ص. ۱۳۲). در کشور ما نیز یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه توسعه روستایی به آن توجه شده است، طرح ساماندهی خدمات‌رسانی روستایی، برای کاهش مهاجرت از روستا، ایجاد زمینه‌های اشتغال و درآمدزایی برای روستاییان، ایجاد تأسیسات زیربنایی و خدمات رفاهی در روستاست (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱، ص. ۲۱۶). در سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۷۲، وزارت جهاد سازندگی، از طریق شرکت مهندسان مشاور هامون طرح ساماندهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی را به‌عنوان مرحله دوم «طرح طبقه‌بندی روستاها و تدوین استراتژی توسعه روستایی کشور» و با هدف ایجاد بستری مناسب به‌منظور توسعه پایدار محیط روستایی، سازماندهی سلسله‌مراتبی خدمات و تأسیسات روستایی و ایجاد نظام استقرار مناسب سکونتگاه‌های روستایی با پراکندگی بهینه جمعیت پایه‌گذاری کرده است (رضوانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۰)؛ اقدامی ریشه‌ای، که در صورت طراحی و اجرای صحیح، افزون بر بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستاها، اثر مثبت خود را بر شهرها نیز برجای می‌گذارد و توسعه‌ای یکپارچه را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. به‌طور کلی یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه ریزی فضایی، با توجه به محدودیت منابع، توزیع بهینه و متعادل خدمات و امکانات بین سکونتگاه‌های مختلف است (تقوایی و نوروزی آوارگانی، ۱۳۸۶، ص. ۶۰). به همین منظور برای خدمات‌رسانی هرچه بهتر به روستاها، از روش سطح‌بندی برای ارتباط میان روستاهای کوچک‌تر با روستاهای بزرگ‌تر هم‌جوار استفاده می‌شود. این پژوهش درصدد آن است تا به‌منظور پاسخگویی به سؤال‌های زیر، با تحلیل فضایی، میزان تحقق‌پذیری طرح سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی و میزان موفقیت آن را در شهرستان مشهد بررسی کند و پرسش‌های آن عبارت هستند از:

۱. آیا بین میزان تحقق اهداف طرح ساماندهی و اندازه جمعیت مراکز، فاصله تا مشهد و سطح مرکزیت آن‌ها رابطه معناداری است؟
۲. اهداف طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی شهرستان مشهد تا چه اندازه محقق شده است؟

۲. پیشینه تحقیق

به منظور رسیدن به روشی عادلانه و متوازن برای دستیابی مراکز سکونتگاهی به خدمات و امکانات، تحقیقات و پژوهش‌هایی در زمینه مکان‌یابی و ارزیابی شرایط استقرار و دسترسی مراکز خدمات روستایی براساس سطح‌بندی روستاها انجام شده است. شکور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نحوه توزیع فضایی امکانات خدمات روستایی و سطح‌بندی روستاهای بخش درودزن مرودشت» دریافته‌اند که علت اختلاف امتیاز شاخص‌ها میان سطوح مختلف سلسله‌مراتب خدماتی منطقه مورد مطالعه را که گویای عمق شکاف و گسیختگی‌های نظام موجود سلسله‌مراتب خدمات در این منطقه است، باید در سطح‌بندی و توزیع نامناسب خدمات روستایی جستجو کرد. تحقیق ریاحی و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان «تحلیل فضایی نابرابری در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سقز» گویای آن است که نابرابری فضایی خدمات در روستاهای این شهرستان، به دلیل دو عامل درونی (قابلیت‌ها، امکانات و جمعیت) و بیرونی (مکان استقرار و امکان دسترسی) است که سبب مراجعه مستقیم و زیاد مردم روستاهای این شهرستان به شهر برای دریافت خدمات مورد نیاز شده است. رستمی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل توزیع فضایی خدمات در سکونتگاه‌های روستاییان کهگیلویه و بویر احمد» با استفاده از روش‌های فضایی آنالیز ترکیبی و تابع تراکم کرنل نشان داده‌اند که ناپایداری روستاهای مورد مطالعه از یک سو به پراکندگی نامتعادل استان و از سوی دیگر به توزیع نامتناسب خدمات نسبت به پراکندگی فضایی جمعیت روستاها ارتباط دارد. آجودانی و حسینی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مطالعه اثرات طرح‌های ساماندهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی در توسعه اجتماعی روستاهای اردبیل» از طریق آزمون آماری و در سه بعد اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، کاربردی - محیطی میزان تحقق‌پذیری پیشنهادهای ارائه شده در این طرح‌ها را بررسی کرده و در نهایت، مهم‌ترین دلایل محقق نشدن پیشنهادهای مطرح شده را محدودیت اعتبارات عمرانی، ناهماهنگی دستگاه‌ها و سازمان‌های دست‌اندرکار توسعه روستایی و ضعف مشارکت مردم دانسته‌اند. ملکی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی عدالت فضایی در توزیع امکانات و خدمات بهداشتی - درمانی در شهرستان‌های استان خوزستان» به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه بیشتر در شهرستان‌های پرجمعیت و توسعه نیافتگی در شهرستان‌های کم جمعیت استان وجود دارد.

صالح پور و افراخته (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «تحلیل سطح توسعه خدمات بهداشتی - درمانی از منظر عدالت فضایی» پراکنش خدمات مزبور را در مناطق روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که نیازهای اساسی و اولیه بهداشتی - درمانی سکونتگاه‌های روستایی به‌طور مطلوب در میان فضاهای روستایی توزیع نشده است. این امر، حاصل نتایج سیاست‌های رشد قطبی است که سبب تمرکز تمام امکانات و قدرت در یک یا چند منطقه و به حاشیه رفتن سایر مناطق شده است. افراخته و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات روستایی شهرستان‌های استان اصفهان» با به‌کارگیری روش «تاکسونومی عددی»، و محاسبه درجه برخورداری شهرستان‌ها از امکانات و خدمات با در نظر گرفتن عامل جمعیتی به درجات بی‌عدالتی فضایی ۰/۱۹ و ۰/۸۷۴ دست یافته‌اند که نشان‌دهنده شکاف و نابرابری بسیار زیاد و شدید بین شهرستان‌ها است. این امر به دلیل نداشتن رویکرد جامع توسعه مناطق روستایی در این استان است. پژوهشی درباره چگونگی نحوه ارائه خدمات در مناطق روستایی ولز به این نتیجه رسیده است که این کشور نیازمند یک دستور کار جدید با استفاده از فن‌های تحلیل فضایی، برای ارزیابی سطح فعلی دسترسی به خدمات کلیدی در سطح جامعه روستایی است (هیگ^۱، ۱۹۹۷، ص. ۴۴۱). محقق در بررسی «ارائه خدمات روستایی و مهاجرت داخلی در شمال غنا» درباره شناسایی عوامل مهاجرت روستایی - شهری در سطح فردی و جامعه با تمرکز ویژه بر خدمات روستایی به این نتیجه رسیده است که خدمات روستایی سبب کاهش هزینه‌های مربوط به تولید محصول‌های کشاورزی شده، تقاضای کار در مزرعه را کاهش داده و در نتیجه افراد را به سمت مهاجرت سوق می‌دهد (ووترز^۲، ۲۰۱۰، ص. ۱۴). پژوهشگران در بررسی توزیع فضایی و نگهداری امکانات زیربنایی روستایی در منطقه کاجورو، ایالت کادونا نیجریه برای تعیین تنوع مکانی در امکانات زیرساختی روستاهای منطقه از روش تحلیلی استاندارد Z استفاده کرده‌اند و در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که جوامعی که به دولت در پروژه‌های زیربنایی کمک می‌کنند، نه تنها در پیشرفت

1. Higg

2. Wouterse

اقتصادی و توسعه مناطق روستایی شریک می‌شوند بلکه در حفظ و نگهداری آن‌ها هم کوشاتر خواهند بود (بلوز و آدفیلا^۱، ۲۰۱۴، ص. ۲۸۷).

بررسی تحقیق‌های مرتبط با کلیات موضوع مورد بررسی نشان می‌دهند که کمتر به عملکرد طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی از منظر توزیع و تحقق بخشی، پرداخته شده است. در نتیجه وقوع نتایج ناهماهنگ با اصول توسعه را نمی‌توان دال بر کوتاهی سازمان‌های متعدد متولی و نظارتی (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) دانست. به عبارتی، لازم است نتیجه ناهماهنگ را با آنچه باید روی می‌داده، تطبیق داد تا بتوان به ارزیابی قابل اتکایی از عملکرد سازمان‌های دخیل دست یافت.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و ماهیت کاربردی به دنبال بررسی و تحلیل میزان تحقق‌پذیری اهداف طرح ساماندهی فضاها و روستایی شهرستان مشهد است، که شامل دو مرحله است:

۱. تعیین شاخص‌ها و ملاک‌های ارزیابی برای تعیین میزان تحقق‌پذیری اهداف طرح ساماندهی مراکز و فضاها و روستایی که با استفاده از تحقیق و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است.
 ۲. مطالعات میدانی که با روش تکمیل پرسش‌نامه انجام شده است.
- هدف تحقیق، ارزیابی خدمات‌رسانی به مراکز روستایی است و چون سه منظومه شهرستان مشهد شامل شهر مشهد، شهر رضویه و شهر ملک‌آباد، جزو مناطق شهری به شمار می‌آیند، در تحقیق مد نظر قرار نگرفته‌اند.

این پرسش‌نامه شامل ۲۵ گویه در قالب ۳ مؤلفه، به منظور دریافت میزان تأثیرپذیری رضایت روستاییان در سه بعد جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی از مقدار خدمات ارائه شده در هر روستا، طراحی شده است. جامعه آماری این پژوهش را سرپرستان خانوارهای ۴۲ روستای منتخب شهرستان مشهد تشکیل داده‌اند که از میان مراکز مجموعه و حوزه روستایی و نیز آبادی‌های اقماری به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. براساس فرمول کوکران و با توجه به ۲۴۶۳۶ خانوار

ساکن در سطح سه گانه روستایی، تعداد ۳۷۵ پرسش‌نامه در نظر گرفته شد، اما با تعیین حداقل ۷ پرسش‌نامه، برای کم‌جمعیت‌ترین روستاها، تعداد آن‌ها به ۴۱۰ مورد افزایش یافت (جدول ۱). پس از جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی خطی و آزمون آماری تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) و فنون مختلف مانند SPSS، GIS و Excel، موضوع تحلیل و تبیین شد.

برای احراز پایایی از روش آلفای کرونباخ برای محاسبه هماهنگی درونی پرسش‌نامه بهره گرفته شد که نشان‌دهنده هماهنگی لازم میان گویه‌های مطرح‌شده است (جدول ۱).

جدول ۱. مؤلفه‌های شاخص‌های اثرات طرح سطح‌بندی و ضریب پایایی آن‌ها

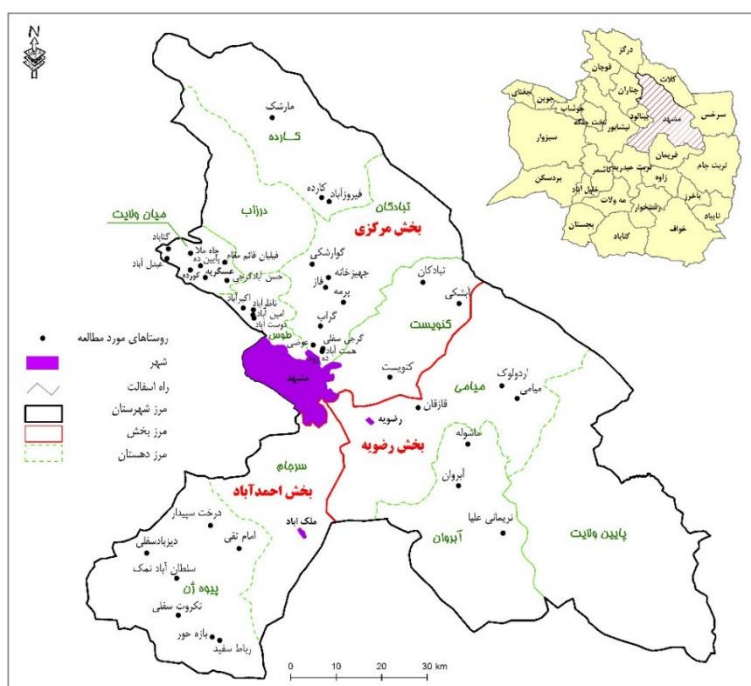
مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

مؤلفه	شاخص‌ها	ضریب پایایی
تأثیرهای جمعیتی	۱- کاهش مهاجرت از روستا؛ ۲- بازگشت مهاجران؛ ۳- مهاجرپذیری روستا؛ ۴- کاهش تمایل به مهاجرت از روستا.	۰/۷۸
تأثیرهای اقتصادی	۱- افزایش اشتغال؛ ۲- رضایت شغلی؛ ۳- افزایش درآمد؛ ۴- میزان رضایت از درآمد؛ ۵- افزایش قیمت زمین؛ ۶- سرمایه‌گذاری مردم محل در روستا؛ ۷- سرمایه‌گذاری شهرنشینان در روستا؛ ۸- میزان افزایش بهره‌وری تولیدات کشاورزی؛ ۹- افزایش سطح زیر کشت؛ ۱۰- ایجاد بازار برای تولیدها.	۰/۸۱
تأثیرهای اجتماعی	۱- مشارکت مردم در تعاونی‌ها؛ ۲- شرکت در انتخابات شورای روستا؛ ۳- شرکت در انتخابات مجلس؛ ۴- اعتماد به دهیاری شورا و بخش‌داری؛ ۵- اعتماد به خویشاوندان؛ ۶- اعتماد به هم‌ولایتی‌ها؛ ۷- مشارکت در امور عمرانی روستا؛ ۸- همیاری در گرفتاری هم‌ولایتی‌ها؛ ۹- کمک در بروز مشکلات روستا؛ ۱۰- عمل به قول و قرار؛ ۱۱- کاهش نزاع بر سر آب و زمین.	۰/۸۲
	کل	۰/۸۰

۳. ۱. منطقه مورد مطالعه

شهرستان مشهد بین ۵۹ درجه و ۰/۳ دقیقه تا ۶۰ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۴ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۵۹ دقیقه عرض شمالی با مرکزیت کلان‌شهر ۳/۵ میلیون نفری مشهد و

مشتمل بر سه بخش مرکزی، رضویه و احمدآباد است. جمعیت روستایی شهرستان در سال ۱۳۹۵ در مجموع معادل ۳۶۰۴۹۷ نفر، حدود ۱۰/۶ درصد کل جمعیت شهرستان بوده است. در هر سه بخش به‌ویژه مرکزی تراکم نسبی جمعیت روستایی در مقایسه با تراکم نسبی جمعیت روستایی کل کشور که ۱۲ نفر بوده است، رقم بسیار بالاتری را نشان می‌دهد (جدول ۲).



شکل ۱. پراکنندگی روستاهای نمونه در تقسیمات کشوری شهرستان مشهد.

مأخذ: سازمان زمین شناسی همراه با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۸

جدول ۲. مشخصات جمعیتی و سطح مرکزیت روستاهای نمونه، ۱۳۹۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

مرکز مجموعه	جمعیت (نفر)	رشد جمعیت ۸۵-۹۵	دهستان	نمونه خانوار	آبادی‌های اقماری منتخب	جمعیت (نفر)	رشد جمعیت ۸۵-۹۵	نمونه خانوار
بخش مرکزی								
گرچی	۱۵۱۶۳	۱/۲۵	تبادکان	۶۰	عوضی	۳۶۹	۱/۴۶	۷
سفلی					گراب	۸۳	۲	۷

نمونه خانوار	رشد جمعیت ۸۵-۹۵	جمعیت (نفر)	آبادی‌های اقماری منتخب	نمونه خانوار	دهستان	رشد جمعیت ۸۵-۹۵	جمعیت (نفر)	مرکز مجموعه
۷	-۱/۵۵	۱۶۲۸	همت‌آباد (مرکز حوزه)					
۲۵	۱۲/۵۹	۵۷۴۱	اکبرآباد (مرکز حوزه)	۳۵	طوس	۴/۷۶	۸۹۶۹	دوست‌آباد
۷	۶/۶۶	۱۳۴۲	امین‌آباد					
۷	۲/۱۷	۴۳۴	ناظرآباد					
۷	-۰/۹۴	۱۲۱	گوارشکی	۷	تبادکان	-۵/۰۷	۴۰۹	فاز
۷	۰/۷۶	۱۰۹	چهبیز خانه					
۱۳	-۱/۱	۲۰۸۹	پرمه (مرکز حوزه)					
۷	۴/۲	۱۴۸	فیلیان قائم‌مقام	۷	میان ولایت	۱/۷۵	۱۵۸۴	عسگریه
۷	۱/۲۵	۲۰۵	حسن‌آباد گرجی					
۷	۲/۳۸	۱۶۶۴	پایین ده (مرکز حوزه)					
۷	-۴/۸	۹۳۲	مارشک (مرکز حوزه)	۷	کارده	۳/۲۶	۴۸۴	کارده
۷	۰/۰۸	۷۹	فیروزآباد					
۷	۲/۱۵	۵۱۰	گناباد	۱۴	میان ولایت	۸/۲۶	۳۸۲۰	کورده
۵	۰/۴۸	۴۴۱	عبدل‌آباد					
۷	۱/۲۲	۱۳۱	چاه ملا					
۷	۱/۱۲	۱۴۴۷	هندل‌آباد	۸	کنویست	-۰/۰۰۶	۱۵۹۶	تبادکان
۷	۰/۰۸	۱۳۰	آبشکی					
				۳۵	تبادکان	۵/۳۲	۱۱۸۶۹	ده رود
۷	۲/۱۵	۵۷۳	شرشر	۱۶	کنویست	۱/۳۹	۳۶۹۵	کنویست
بخش احمدآباد								
۷	-۵/۹۷	۱۲۷۹	بازه هور	۱۰	پیوه ژن	۴/۱۶	۲۰۶۳	رباط سفید
۷	۰/۲۸	۱۰۴	تکروت سفلی					
۱۰	۱/۷۳	۲۱۱۲	سلطان‌آباد نمک (مرکز حوزه)	۱۶	پیوه ژن	۰/۹۴	۳۲۵۴	دیز باد سفلی
۷	۴/۴۹	۲۰۸	درخت سپیدار	۷	پیوه ژن	-۲/۱۶	۹۲۴	امام تقی

مرکز مجموعه	جمعیت (نفر)	رشد جمعیت ۸۵-۹۵	دهستان	نمونه خانوار	آبادی‌های اقماری منتخب	جمعیت (نفر)	رشد جمعیت ۸۵-۹۵	نمونه خانوار
بخش رضویه								
آبروان	۱۰۶۷	۰/۶۲	آبروان	۶	نریمانی علیا (مرکز حوزه)	۲۴۸۳	۲/۶۳	۱۱
					ماشوله	۹۷	-۵/۱۱	۷
قازقان	۱۹۱۵	۲/۳	میامی	۹	میامی (مرکز حوزه)	۲۳۵۳	۵	۱۰
					اردولوک	۳۹۵	۷/۹۹	۷

این شهرستان با استفاده از موقعیت جغرافیایی طبیعی و انسانی نسبتاً مساعد، توانسته است به قطب جمعیتی شرق ایران و دومین منطقه جمعیتی کشور تبدیل شود. استفاده از منابع طبیعی به همراه جاذبه بالای حرم مطهر امام رضا (ع) موجب شده است تا ضمن آنکه شهر مشهد رشد روزافزونی داشته باشد سکونتگاه‌های روستایی پیرامون آن نیز از نظر تعداد و حجم جمعیت در مسیر رشد قرار گیرند (جدول ۳).

جدول ۳. تراکم نسبی جمعیت روستایی بخش‌های شهرستان مشهد (۱۳۹۵)

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن خراسان رضوی سال ۱۳۹۵

ردیف	بخش	جمعیت (نفر)	وسعت (کیلومتر مربع)	تراکم نسبی
۱	مرکزی	۲۶۸۲۷۷	۳۴۷۸	۷۷/۱۳
۲	رضویه	۵۹۲۳۲	۳۸۶۰	۱۵/۳۴
۳	احمدآباد	۳۲۹۸۸	۱۷۹۲	۱۸/۴۰

۴. مبانی نظری تحقیق

پیشرفت و بهبود سطح زندگی در جوامع روستایی و هدایت آن‌ها به سوی رشد و توسعه، نیازمند توزیع عادلانه خدمات و امکانات است. بنابراین جلوگیری از اثرهای منفی توزیع غیرعادلانه امکانات در جوامع، از وظایف مهم مسئولان و برنامه‌ریزان است. سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی و تحلیل فضایی آن‌ها، الگوی مناسبی برای استقرار خدمات و دریافت

میزان تأثیر آن در توسعه منطقه‌ای به شمار می‌آید. مسائلی همچون کلی‌نگری به ابعاد متفاوت طبیعی، اقتصادی - اجتماعی و کالبدی در حل مشکلات جوامع انسانی، هماهنگ نبودن در توسعه شهر و روستا و بهره‌برداری از مزایای آن، پاسخگو نبودن ساختار جوامع به‌ویژه جوامع روستایی در کشورهای جهان سوم به نیازهای معاصر، دسترسی به معیارهای منطقی در سرمایه‌گذاری برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی و توزیع متعادل جمعیت، خدمات و فعالیت با توجه به استعدادهای بالقوه و بالفعل در سطوح فضایی همگن، دلایل نسبتاً کافی برای ورود مفهوم ساماندهی فضا از حدود سال ۱۹۵۰ میلادی در ادبیات جغرافیا هستند (غفاری، ۱۳۸۰، ص. ۴۴). با توجه به مطالب مطرح‌شده درباره اهمیت مفهوم فضا، لازم است تا به‌منظور شناخت بنیان و پایه‌های شالوده فضایی، به راهبردهای رویکرد فضایی - کالبدی توجه شود.

در رویکرد فضایی - کالبدی، می‌توان به نظریه‌های «مکان مرکزی»، «قطب رشد» و «راهبرد مراکز رشد روستایی و مراکز روستایی» اشاره کرد. فون تونن^۱، کریستالر^۲، لوش^۳ و گالپین^۴ از واضعان نظریه مکان مرکزی هستند. تونن اولین کسی است که نظریه استفاده از زمین را توسعه داد و شومپتر^۵ از او به‌عنوان یکی از حامیان اقتصادسنجی ستایش کرد (فیچر^۶، ۲۰۱۱، ص. ۴۱۱). پس از وی، کریستالر توسعه‌دهنده یک نظام فضایی سلسله‌مراتبی است و تمایل او به سوی منطقه بازاری قلمرو خود است (کاپلو^۷، ۲۰۱۶، ص. ۷۷). درحقیقت اساس نظریه کریستالر بر اهمیت مکان‌یابی یک آبادی مرکزی است که در مقایسه با آبادی‌ها و نقاط اطراف موقعیت تولیدی، توزیعی و یا عرضه خدمات مورد نیاز را داراست (آسایش، ۱۳۸۳، ص. ۵۹). درواقع کاربرد سلسله‌مراتب در توسعه روستایی از قطبی شدن جلوگیری می‌کند و تعالی را در سطح ناحیه، منطقه یا کشور به وجود می‌آورد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱، ص. ۱۸۱). از نظر لوش، دستیابی به تعادل با ایجاد نظام مکان مرکزها که حاکمیتی بر فضای بازارها داشته باشند، امکان‌پذیر به نظر می‌رسد (فرید، ۱۳۷۳، ص. ۵۳). گالپین و پیروانش، مکان‌های مرکزی را از

1. Von Thunen
2. W-Christaller
3. Losch
4. Galpian
5. Schumpeter
6. Fischer
7. Capello

دیدگاه روستایی تجزیه و تحلیل کرده و از این راه، سلسله‌مراتب عملکردی را به صورت تجربی به دست آورده‌اند. متأسفانه مطالعاتی که بعداً براساس نگرش گالپین به صورت مدل به کار گرفته شدند، از همان استاندارد بالا برخوردار نبودند. به‌ویژه آنکه، معرفی طیف فزاینده‌ای از پارامترهای جامعه‌شناختی که بر نظریه‌هایی از جمله اشاعه نوآوری استوار هستند، به جای روشن ساختن اصول سلسله‌مراتب مکان‌های مرکزی، آن‌ها را مبهم کرده است (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۱، ص. ۸۴)

فرانسوا پرو نظریه قطب رشد را در سال ۱۹۵۵ ارائه کرد. تأکید این نظریه بر سرمایه‌گذاری کلان در صنایع بزرگ‌ترین شهرها است (صیدایی، ۱۳۹۱، ص. ۴۹). دیدگاه پرو درباره اینکه توسعه اقتصادی لزوماً نیازمند قطبی شدن فضا است، سبب محدودیت نادرست و مخرب مفهوم قطب رشد شد (لاسوئن^۱، ۱۹۶۷، ص. ۱۳۷). متأسفانه به نظر می‌رسد که تلاش برای استفاده از این مفهوم بسیار فراتر از اصول اساسی آن بوده است (کمپیل^۲، ۱۹۷۲، ص. ۷۹). ولی با وجود انتقادهای فراوان به نظریه قطب رشد، این نظریه به‌عنوان مکملی برای نظریه مکان مرکزی و به‌عنوان چهارچوبی برای درک ساختار مناطق اهمیت دارد و مفاهیمی که در آن مطرح می‌شود، به ما درک جالبی از مسائل مربوط به توسعه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌دهد. اهمیت مجتمع‌های صنعتی پیشاهنگ رشد قطبی شده، صرفه‌جویی‌های تجمع و تراوش رشد را یادآوری می‌کند و فهمیدن و درک آن راهنمای مناسبی برای برنامه‌ریزی خواهد بود (اجلالی، ۱۳۷۳، ص. ۴۴). در ایران با اجرای برنامه سوم عمرانی (۱۳۴۶-۱۳۴۱) که مقارن با اصلاحات ارضی بود، توسعه ناحیه‌ای بر مبنای سیاست قطب رشد مطرح و پی‌ریزی شد (حاج یوسفی، ۱۳۸۰، ص. ۱۱)، اما این فرایند در نهایت موجب تمرکز فزاینده فعالیت‌های اقتصادی و انباشت سرمایه و تمرکز جمعیت در مراکز جمعیتی شد (قنبری، ۱۳۹۰، ص. ۶۴).

در نظریه راهبرد رشد، یکپارچگی و نظم میان سکونتگاه‌های سطح پایین و سطح بالا که روش مناسبی برای انسجام جوامع روستایی به شمار می‌رود، ایجاد می‌شود (شاه^۳، ۱۹۷۴، ص.

-
1. Perroux
 2. Lasuen
 3. Campbell
 4. Shah

۲۱۵). نظریه مراکز رشد به معنای ایجاد سکونتگاه‌های جدید نیست، بلکه معنای حقیقی آن عبارت است از تجدید سازمان الگوی سکونتگاه روستایی، به نفع آن مراکزی که بیشترین امکان بالقوه را برای توسعه و تبدیل به مراکز رشد یا خدمات دارند (جمعه‌پور، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۹). راهبرد مراکز رشد روستایی که ابتدا در مطالعات گروه بتل در سال ۱۳۵۱ شمسی و سپس با تغییراتی در فصل عمران روستایی برنامه پنجم کشور انعکاس یافت، در عمل به‌طور ناقص و محدود اجرا شد و موفقیت لازم را به دست نیاورد (رضوانی، ۱۳۹۰، ص. ۹). در کشور ما راهبرد برنامه‌ریزی مراکز روستایی به شکل ایجاد و تقویت سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌های روستایی از برنامه چهارم با توجه به تعدد، پراکندگی و کمی جمعیت روستاها مورد توجه بوده است. متأسفانه در اجرای این راهبرد صرفاً ابعاد فیزیکی و کالبدی مدنظر بوده و به ابعاد اقتصادی و اجتماعی آن توجه لازم نشده است، بنابراین، این راهبرد موفق نبود (رضوانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۲). البته باید گفت که این راهبرد، بخشی از رویکرد کالبدی - فضایی توسعه است و این رویکرد نیز جزئی از برنامه جامع توسعه با راهبردهای متنوع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است و هرگز نمی‌توان آن را نسخه نهایی رهایی از عقب‌ماندگی فرض کرد. آنچه مهم است تحقق همین راهبرد مطابق با چهارچوب مصوب در هر منطقه است.

تعدد و پراکندگی روستاها در پهنه وسیع کشور ایران، محدودیت اعتبارات و همچنین توجه به آستانه ارزش، همواره مانعی برای ارائه همه خدمات به تمامی روستاها بوده است. ادامه این وضعیت به رشد ناهمگون و نامتعادل میان نواحی انجامیده و نتیجه آن در نابرابری توسعه روستایی قابل مشاهده است. به همین منظور در راستای بهبود توزیع فضایی خدمات و در جهت توسعه نواحی روستایی، طرح‌های ساماندهی روستایی در انواع و با اهداف تقریباً مختلف، تهیه و اجرا شد. این طرح‌ها با طرح ساماندهی جزیره آبادان در سال ۱۳۶۸ آغاز و با طرح‌های ساماندهی و تجمیع روستاهای پراکنده و طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی کشور ادامه یافت (رضوانی، ۱۲۹۰، ص. ۱۷۷). ارزیابی طرح‌های اجرایی به‌منظور دست یافتن به میزان موفقیت طرح و نیز رفع مشکلات آن، از مراحل مهم اجرای هر طرح است. در این تحقیق افزون بر تحلیل میزان تحقق‌پذیری طرح ساماندهی فضاها در مراکز روستایی مورد مطالعه شهرستان مشهد، چگونگی تأثیرگذاری هرکدام از سه مؤلفه جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی و شاخص‌های

مربوط به آن‌ها، بر میزان رضایت ساکنان سطوح سه‌گانه روستایی نیز بررسی شد، تا نتیجه به‌دست آمده، در برنامه‌ریزی‌های آینده ساماندهی فضاها استفاده شود.

۵. یافته‌های تحقیق

به‌منظور تعیین سطح برخورداری سکونتگاه‌های روستایی از خدمات، از مدل ویژگی استفاده شد که بر مبنای آن، کمیابی هر خدمت در کل منطقه، موجب امتیاز بالاتر برای روستای برخوردار می‌شود، به‌ویژه اگر تنوع خدمات در آن روستا بیشتر باشد. ریشه این تناسب بر این اصل رفتاری استوار است که در شرایط برابر، احتمال مراجعه بهره‌گیران خدمات به روستایی که دارای خدمات متنوع‌تری است، فزون‌تر است. در جدول شماره ۴، علاوه بر ضریب ویژگی، فاصله روستاهای مورد مطالعه نسبت به شهر مشهد مشخص شده است؛ این امر به تحلیل فضایی سطح‌بندی از نظر تأثیر مراکز بالادست بر میزان تأمین خدمات مورد نیاز روستاهای پایین دست کمک خواهد کرد. بر اساس شکل ۲، بیشترین میزان ضریب ویژگی در سال ۷۵ به روستای متصل به شهر گرگی سفلی تعلق دارد، که در سال‌های اخیر با گران شدن مسکن در شهر مشهد، با افزایش شدید جمعیت، مهاجرت معکوش پدید آمده و نقش خوابگاهی برای شهر یافته است. در روستای رباط سفید، در دهه ۸۰، به دنبال احداث مراکز رفاهی متعدد در حاشیه جاده مشهد - تربت حیدریه، امکانات و خدمات خصوصی و مشارکتی زیادی ایجاد شد، که همین امر سبب افزایش فراوان ضریب ویژگی روستا در سال ۸۵ شد. کاهش ضریب مذکور در سال‌های بعد، تأییدی بر پراکندگی بهتر خدمات کمیاب و در نتیجه دسترسی بهتر سایر مراکز و روستاهای تحت نفوذ آن‌ها به این خدمات خواهد بود. جدول ۴ نشان‌دهنده تغییرات در مقدار ضریب ویژگی خدمات روستاهای مورد مطالعه در سه مقطع ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۷ است که بیشترین آن را در دو سطح مراکز مجموعه و حوزه شاهد هستیم.

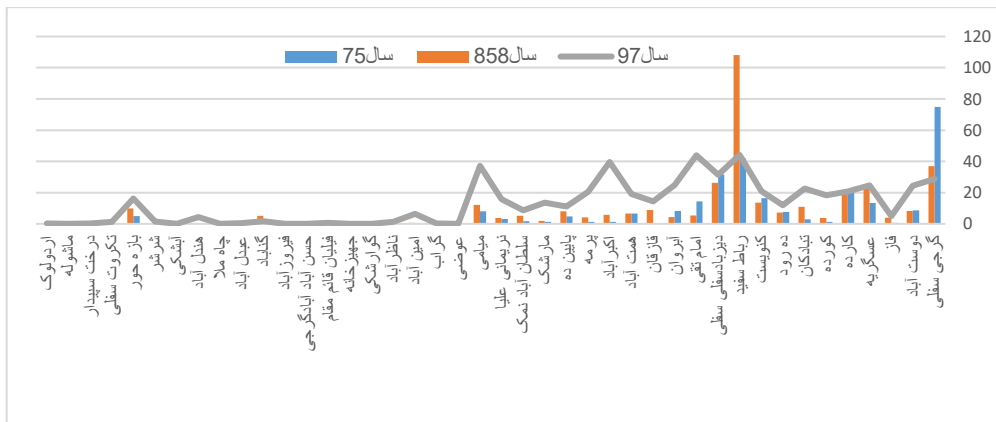
جدول ۴. ضریب ویژگی خدمات و فاصله از شهر در روستاهای مورد مطالعه ۱۳۷۵-۱۳۹۷

مأخذ: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۸

فاصله از شهر	ضریب ویژگی (سال)			روستا		فاصله از شهر	ضریب ویژگی (سال)			روستا	سطح
	۱۳۹۷	۱۳۸۵	۱۳۷۵				۱۳۹۷	۱۳۸۵	۱۳۷۵		
۲	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۵	عوضی	آبادیهای اقماری	۱/۵	۲۸/۸	۳۷/۰۲	۷۴/۹۶	گرچی سفلی	
۷	۰/۱۵	۰/۰۶	۰	گراب		۳	۲۴/۴۵	۸/۳۳	۸/۶۷	دوست‌آباد	
۳/۵	۶/۳۴	۰/۶۹	۰/۱۵	امین‌آباد		۱۵	۴/۹۵	۴	۰/۷	فاز	
۴	۱/۲۳	۰/۳۹	۰/۱۵	ناظر‌آباد		۲۰	۲۴/۷۱	۲۲/۶	۱۳/۳۴	عسگریه	
۱۷	۰/۰۲	۰	۰	گوارشکی		۴۵	۲۰/۷۹	۱۹/۵۷	۲۰/۸۵	کارده	
۱۶	۰/۰۲	۰	۰	جهیزخانه		۲۰	۱۸/۳۱	۳/۶۳	۱/۳۳	کورده	
۲۳	۰/۶۵	۰/۰۴	۰/۰۳	فیلیان		۴۳	۲۲/۶۷	۱۱	۲/۸۳	تبادکان	
۲۲	۰/۰۵	۰	۰	حسن‌آباد		۰/۵	۱۱/۹۸	۷/۲	۷/۷	ده رود	
۴۲	۰/۰۵	۰	۰	فیروز‌آباد		۱۲	۲۰/۸۸	۱۳/۶۳	۱۶/۳۵	کنویست	
۳۲	۱/۷۷	۵/۱۱	۱/۹۷	گناباد		۷۹	۴۴/۱۴	۱۰۸/۱۳	۴۱/۸۷	رباطسفید	
۳۰	۰/۴۸	۰/۴۱	۰/۰۳	عبدل‌آباد		۷۵	۳۱/۳۷	۲۶/۳۷	۳۱/۵۶	دیزباد سفلی	
۲۹	۰/۱۱	۰	۰	چاه ملا		۵۷	۴۳/۹۵	۵/۳۲	۱۴/۴۸	امام تقی	
۴۰	۴/۴۳	۰/۵۳	۰/۰۳	هندل‌آباد		۳۳	۲۴/۷۷	۴/۳۴	۸/۱۶	آبروان	
۳۵	۰/۰۳	۰	۰/۱۳	آبشکی		۲۵	۱۴/۴	۸/۸۱	۱۵/۱۵	قازقان	
۱۹	۱/۵۱	۰/۰۴	۰/۲۵	شرشر		۱	۱۹/۱۹	۶/۵۸	۶/۵۹	همت‌آباد	
۸۰	۱۶/۲۹	۹۱/۱	۴/۹۳	بازه هور		۹	۳۹/۵۵	۵/۸۱	۱/۲۹	اکبر‌آباد	
۸۵	۱/۳۳	۰/۴۸	۰/۰۳	تکروت		۲۱	۲۰/۴۵	۴/۱۲	۱/۳۳	پرمه	
۶۰	۰/۲۹	۰/۰۴	۰	درخت سپیدار		۲۷	۱۱/۱۸	۸/۱	۴/۶۸	پایین ده	
۴۷	۰/۰۳	۰	۰	ماشوله		۶۸	۱۳/۶۳	۱/۹۸	۱/۳۴	مارشک	
۴۸	۰/۱۶	۰	۰	اردولوک		۷۳	۸/۶۷	۵/۱۹	۱/۶۸	سلطان‌آباد	
۴۸	۰/۱۶	۰		اردولوک	۶۰	۱۵/۸۹	۳/۷۱	۳/۰۲	نریمانی		
					۴۵	۳۷/۵۲	۱۲/۱	۸/۰۲	میامی		

۱. به دلیل انتشار نیافتن شناسنامه آبادی‌های خراسان رضوی در سال ۱۳۹۵، از اطلاعات پژوهش میدانی استفاده شد.

تغییرات به وجود آمده در ضریب ویژگی روستاها، صرفاً براساس تغییرات جمعیتی و نیاز آنها نبوده، بلکه عواملی همچون موقعیت جغرافیایی، میزان مشارکت مردم و نیز تصمیمات نهادهای مختلف در آن دخیل بوده است. افزایش تعداد برخی از خدمات خصوصی و مشارکتی مانند مطب، داروخانه، جایگاه مواد سوختی، ترمینال مسافربری و رستوران و یا خدمات دولتی نظیر دبیرستان فنی حرفه‌ای، مراکز آموزش قبل از دبستان و مجموعه‌های ورزشی در روستاهای بیشتری در مقایسه با آمار سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، سبب کاهش عدد ضریب ویژگی در مراکز همچون گرجی سفلی، رباط سفید و روستای اقماری بازه هور و نزدیک شدن آن به ضریب ویژگی سایر روستاها در سال ۱۳۹۷ شده است. با وجود این، هنوز کمبود برخی از خدمات مصوب دولتی نظیر متوسطه دوره دوم، دبیرستان شبانه‌روزی، دبیرستان فنی و حرفه‌ای، کشتارگاه، کتابخانه عمومی، دفتر میراث فرهنگی، بانک و پاسگاه انتظامی و بعضی از خدمات خصوصی و مشارکتی مانند شرکت تعاونی روستایی، پمپ بنزین و جایگاه مواد سوختی در بسیاری از مراکز مجموعه و حوزه دیده می‌شود. افزایش خدمات به‌تنهایی و بدون داشتن تأثیر مثبت در اقتصاد و اشتغال، نقش چندانی در حفظ جمعیت روستاها و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه ندارد. برای مثال، استقرار خدمات دولتی به‌دلیل موقعیت مناسب جغرافیایی برآمده از قرارگیری در محل اتصال راه‌های به‌سمت غرب و جنوب، سبب افزایش ضریب ویژگی روستای امام تقی شده، اما این خدمات عموماً نیروهای خود را از شهر مشهد تأمین کرده و تأثیر چندانی در اشتغال و حتی ثبات جمعیتی روستا نداشته و رشد منفی جمعیت در چند سال اخیر در این روستا اتفاق افتاده است. در نمودار زیر ضرایب ویژگی روستاهای مورد مطالعه با یکدیگر مقایسه شده است (نمودار ۱).



نمودار ۱. مقایسه ضرایب ویژگی روستاهای نمونه طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۷

مأخذ: یافته‌های میدانی نگارندگان، ۱۳۹۸

در پاسخگویی به سؤال اول تحقیق، از آزمون ضریب همبستگی خطی به تفکیک سطوح سه‌گانه استفاده شده است (جدول ۵). نتایج آزمون‌های آماری در جدول تجمیع شده، تا بهتر قابل مقایسه باشد. علامت (*) نشان‌دهنده معنادار بودن همبستگی مشاهده‌شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد و علامت (***) نشان‌دهنده معنادار بودن همبستگی مشاهده‌شده در سطح اطمینان ۹۸ درصد است. نبود این علامت‌ها، نبود رابطه بین متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۵. همبستگی ضریب ویژگی خدمات و حجم جمعیت و فاصله از شهر

مأخذ: یافته‌های تحقیقات میدانی، ۱۳۹۸

فاصله از شهر	حجم جمعیت سال ۱۳۹۵	آماره	سطح
۰/۰۳۸	۰/۳۹۰***	ضریب همبستگی	کل
۰/۴۳۹	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۰/۵۱۶***	-۰/۰۴۹	ضریب همبستگی	مرکز مجموعه
۰۰۰۰	۰/۴۸۵	سطح معناداری	
-۰/۵۰۷***	۰/۵۸۹***	ضریب همبستگی	مرکز حوزه
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۰/۵۶۸***	۰/۵۳۴***	ضریب همبستگی	اقماری
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	

در پاسخ به سؤال دوم، ابتدا با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس یک طرفه^۱، میزان تحقق خدمات، براساس ضریب ویژگی در سطوح سه‌گانه روستاها تا سال ۱۳۹۷ تحلیل شد. بزرگ بودن مقدار F به دلیل بزرگی میزان واریانس بین گروهی به میان‌گروهی است که نشان‌دهنده تفاوت زیادی از این لحاظ، میان مراکز مجموعه و حوزه با آبادی‌های اقماری، به دلیل تعدد و پراکندگی میانگین برحسب سطوح سه‌گانه است. معذور اتا^۲ نشان‌دهنده تأثیر سطوح سه‌گانه در تغییر متغیر ضریب ویژگی است. بنابراین تفاوت چندانی از نظر ضریب ویژگی میان مراکز مجموعه و مراکز حوزه وجود نداشته ولی به مراتب بیشتر از آبادی‌های اقماری است (جدول ۶).

جدول ۶. معناداری تفاوت ساماندهی در روستاهای نمونه آزمون F

مأخذ: یافته‌های تحقیقات میدانی، ۱۳۹۸

سطح روستا	جمعیتی	اقتصادی	اجتماعی	اثر کل
مرکز مجموعه A	۶۷/۵	۴۸/۲	۴۴/۹	۵۳/۵
مرکز حوزه B	۶۵/۱	۴۶/۲	۵۰/۵	۵۳/۹
اقماری C	۴۷/۸	۴۰/۱	۴۹/۷	۴۵/۹
کل	۶۲/۶	۴۶/۰	۴۷/۲	۵۱/۹
آماره F	۳۰/۹۴	۱۰/۱۳	۱۵/۵۲	۱۵/۵۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
میانگین معذورات بین گروهی	۱۲۹۹۸/۰۱۵	۲۱۶۵/۶۴۹	۱۳۵۳/۸۰۳	۲۱۵۴/۹۱۷
میانگین معذورات میان گروهی	۴۲۰/۰۹۶	۲۱۳/۸۱۴	۸۷/۱۰۵	۱۳۸/۹۵۴
معذور اتا	۰/۱۲۳	۰/۰۴۷	۰/۰۷۱	۰/۰۷۱
تفاوت‌ها	A, B>C	A, B>C	B, C>A	A, B>C

سپس میزان تأثیر تحقق اهداف طرح بر سه مؤلفه جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی بر حسب سطوح سه‌گانه روستاها براساس دامنه استاندارد و رایج ۱۰۰-۰ کدگذاری مجدد به شرح ۰=۰، ۲۵=۱، ۵۰=۲، ۷۵=۳ و ۱۰۰=۴ مرتب و بررسی شد. شاخص اثر کل در بازه ۱۰۰-۰ برابر با ۵۱/۹۲ است.

1. ANOVA
2. Eta Squared

نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان می‌دهد که میانگین بُعد آثار جمعیتی و اقتصادی در روستاهای اقماری کمتر از مراکز مجموعه و حوزه است، اما میانگین بُعد اثر اجتماعی در مراکز مجموعه کمتر از روستاهای اقماری و مراکز حوزه است (جدول ۷).

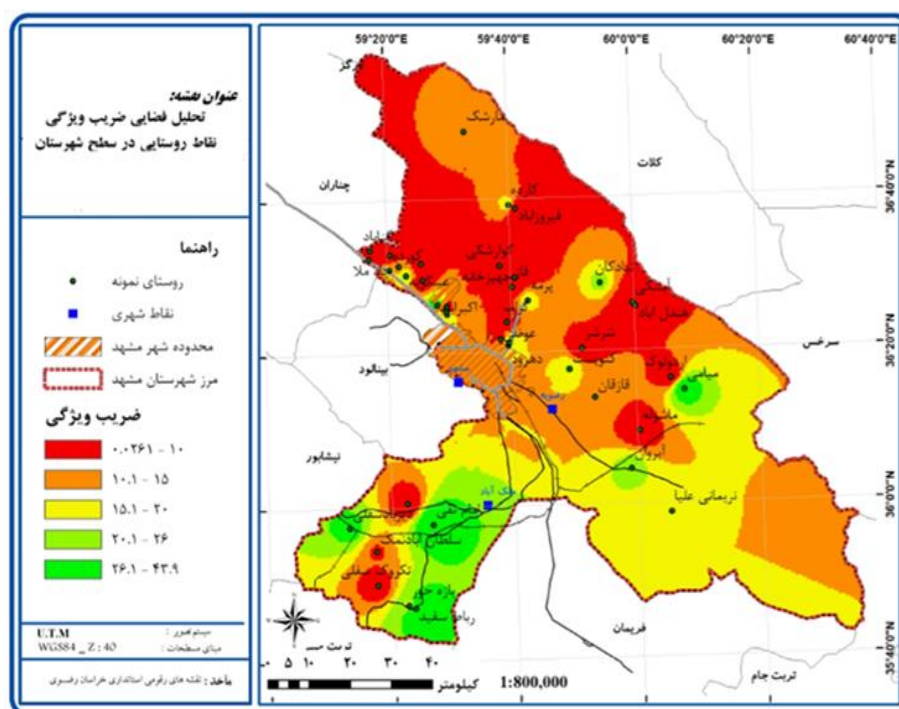
جدول ۷. اثرهای تطبیقی ساماندهی برحسب مرکزیت در مناطق روستایی نمونه شهرستان مشهد

مأخذ: یافته‌های تحقیق‌های میدانی، ۱۳۹۸

کل	اقماری	مرکز حوزه	مرکز مجموعه	
	C	B	A	
۲۳/۴۵	۲۱/۸۶	۲/۷۵	۱۸/۵۲	ضریب ویژگی خدمات
۲۱۷/۰۷				آماره F
۰/۰۰۰				سطح معناداری
۱۴۶۳۳/۸۴۸				میانگین مجذورات بین گروهی
۶۷/۴۱۵				میانگین مجذورات درون گروهی
۰/۵۱۶				مجذور اتا
A, B>C				تفاوتها

در گام نهایی برای تحلیل فضایی از دستوردرونیابی^۱ در محیط ARC GIS به منظور تهیه نقشه تحلیل فضایی «میزان ضریب ویژگی بر فاصله روستا تا شهر مشهد» استفاده شد، که خروجی آن در شکل ۲ ارائه شده است. بیشترین ضریب ویژگی به رنگ سبز پررنگ و در مرتبه بعد به رنگ سبز کم‌رنگ با داشتن میانگین بالای ۱۵، در سطح وسیعی از دو بخش احمدآباد و رضویه و در بخش مرکزی به صورت لکه‌های کوچکی در شمال شرق و شمال غرب شهر مشهد دیده می‌شود.

۱- درونیابی یا interpolation روش برآورد ارزش پدیده‌ها در مکان‌های نمونه‌برداری نشده با استفاده از مقادیر معلوم در نقاط همسایه است. نقاط همسایه ممکن است به طور منظم یا نامنظم در آن ناحیه پراکنده شده باشند. بنابراین برای تبدیل داده‌ها از نقاط مشاهده‌شده در موضوع‌های پیوسته از درونیابی استفاده می‌شود. خروجی درونیابی می‌تواند به عنوان یک نقشه یا لایه در تحلیل GIS استفاده شود. میزان صحت نتایج درونیابی به دقت مکانی، تعداد و توزیع نقاط معلوم و مدل مورد استفاده بستگی دارد.



شکل ۲. بهینه‌بندی فضایی سطح مرکزیت طبق مدل ویژگی در مناطق روستایی مشهد، ۱۳۹۸

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به میزان متفاوت جمعیت در روستاها، داشتن انتظار توزیع یکسان خدمات در بین همه آن‌ها به دور از منطق است. به‌طور طبیعی روستاهای کوچک‌تر امکانات کمتری خواهند داشت، اما این نمی‌تواند توجیه‌کننده محرومیت ساکنان آن‌ها از خدمات روستایی و به تبع آن زمینه‌سازی برای مهاجرت‌های شتاب‌زده و تشدید مشکلات روستایی و شهری باشد. در صورت طراحی، اجرا و ارزیابی مناسب، طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی تا حد زیادی برطرف‌کننده این مشکل خواهد بود. در این مقاله ضمن بررسی وضعیت توزیع فضایی امکانات و خدمات در بین ۴۲ روستای نمونه شهرستان مشهد در سه سطح مراکز مجموعه، حوزه و آبادی اقماری، میزان تأثیرگذاری خدمات‌رسانی بر ابعاد جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی ارزیابی شده است.

در سؤال اول، معنادار بودن رابطه میان میزان تحقق اهداف طرح ساماندهی با اندازه جمعیت مراکز، فاصله تا مشهد و سطح مرکزیت آنها، براساس آزمون ضریب همبستگی و به تفکیک سطوح، ارزیابی شده است. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که همبستگی ضریب ویژگی خدمات با شاخص فاصله از شهر، در دو سطح مرکز مجموعه و آبادی‌های اقماری، مستقیم و مثبت و معناداری با سطح اطمینان ۹۸ درصد است؛ به عبارت دیگر، با افزایش فاصله این دو سطح از روستاها از شهر، میزان خدمات آنها هم افزایش می‌یابد. این رابطه درباره مراکز حوزه معکوس و منفی با سطح اطمینان ۹۸ درصد است؛ یعنی با دور شدن از شهر از میزان خدمات آنها کاسته می‌شود (نمودار ۱). البته به این نکته نیز باید توجه داشت که چون ضریب همبستگی در سطح حوزه منفی و در دو سطح دیگر مثبت است، بنابراین، ضریب کل، فاقد معناداری است (جدول ۵). اینکه روستاهای اقماری و مراکز مجموعه دورتر، از سطح خدمات بیشتری برخوردار شده‌اند فرایند مثبتی دانسته می‌شود و می‌تواند به عنوان عاملی لازم اما ناکافی در کاهش مهاجرت نقش داشته باشد، ولی مراکز حوزه دورتر، کمتر تجهیز شده‌اند و به این سبب ممکن است بر دافعه این مراکز و خدمات آنها افزوده شود، ولی با وجود این، براساس جدول شماره ۷، در مجموع اثرات جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مراکز حوزه قابل توجه بوده است. ضعف طرح ساماندهی در مراکز مجموعه نزدیک به شهر اگرچه به دلیل بهره‌برداری از خدمات شهری است، ولی استمرار این وضعیّت می‌تواند موجب افزایش وابستگی مناطق روستایی پیرامونی به کلان‌شهر مشهد و در نتیجه تردهای نابجا بین آنها شود. همچنین همبستگی ضریب ویژگی خدمات با شاخص حجم جمعیت در دو سطح مرکز حوزه و آبادی‌های اقماری مستقیم و مثبت و معنادار با سطح اطمینان ۹۸ درصد بوده و با افزایش ضریب ویژگی این دو سطح از روستاها، بر جمعیت آنها نیز افزوده خواهد شد؛ اما این رابطه درباره مراکز مجموعه بدون معناداری است.

درباره سؤال دوم، آزمون آماری تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد که از نظر میزان تحقق اهداف خدمات‌رسانی، مراکز مجموعه و حوزه، شرایطی نسبتاً نزدیک به هم را داشته (جدول ۶) و تا حد زیادی قادر به تأمین نیازهای خدماتی آبادی‌های اقماری حوزه نفوذ خود هستند. البته صرف وجود تشابه عددی میانگین ضریب ویژگی خدمات در این دو سطح را نباید به معنای هم‌ارزش بودن آنها تفسیر کرد، زیرا همان‌طور که در پاسخ به سؤال اول اشاره شد، عدد ضریب

ویژگی در مراکز مجموعه با فاصله گرفتن از شهر و در مراکز حوزه با نزدیک شدن به شهر افزایش می‌یابد که این امر به‌عنوان نکته‌ای مثبت برای مجموعه‌ها به شمار می‌رود، زیرا می‌توانند تأمین‌کننده بخش زیادی از خدمات مورد نیاز آبادی‌های دور از شهر باشند. در ادامه، برای درک بهتر موضوع، میزان اثرگذاری خدمات‌رسانی انجام‌شده در هر روستا براساس سه مؤلفه اثرهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی ساکنان آن‌ها با آزمون آماری تحلیل واریانس یک‌طرفه تحلیل شد. براساس نتیجه به‌دست‌آمده، میانگین بُعد اثرهای جمعیتی و اقتصادی در روستاهای اقماری کمتر از مراکز مجموعه و حوزه است، اما میانگین بُعد اثرات اجتماعی در مراکز مجموعه کمتر از روستاهای اقماری و مراکز حوزه است. با توجه به بالا بودن سهم اثرهای اجتماعی در روستاهای اقماری نسبت به دو بُعد دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که رضایت ساکنان از وضعیت این روستاها بیش از آنکه به دلیل امکانات و سطح توسعه‌یافتگی آن‌ها باشد، از شرایط منحصربه‌فرد هر روستا، شبکه‌های اجتماعی و خویشاوندی و احساس تعلق به روستا اثر می‌پذیرد. هرچند، اگر برای حل مشکلات اقتصادی و اشتغال موجود، به‌ویژه به قشر جوان توجه کافی نشود، احساس تعلق به روستا به‌عنوان یک عامل نگهدارنده جمعیت نیز به‌مرور رنگ باخته و باید منتظر زیاد شدن مهاجرت، افزایش حاشیه‌نشینی و انتقال مشکلات روستا به شهر بود. در ضمن در بسیاری از موارد، در برنامه‌ریزی‌های بالا به پایین، مطالعات اجتماعی کافی انجام نشده و در نتیجه بسیاری از اهالی روستاهای تحت نفوذ، از مراجعه به مراکز سطح بالای تعیین‌شده، خودداری می‌کنند. به همین منظور، از اوایل دهه ۱۹۹۰ با توجه به شکست مدل‌های توسعه کمی و رویکردهای بالا به پایین، ارزش‌ها و روندهای جدیدی در جوامع توسعه یافته به وجود آمده است. در این زمینه، اتحادیه اروپا برای توسعه روستایی، از رویکردهای منطقه‌ای، ساختارهای مشارکتی جدید دولت محلی و مدیریت غیرمتمرکز، حمایت می‌کند (ریوس و دیاز، ۲۰۱۱، ص. ۶۰۹). بنابراین، به نظر می‌رسد که جایگزینی برنامه‌ریزی پایین به بالا، به‌جای برنامه‌ریزی بالا به پایین و نیز توجه کافی به دیدگاه‌های اجتماعی و مشارکت روستاییان، در کنار مطالعات کالبدی می‌تواند نقشی اساسی در بالا بردن درصد موفقیت طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی ایفا کند.

هرچند، براساس آزمون‌های انجام‌شده، اکثر مراکز مجموعه و تا حدود زیادی مراکز حوزه از نظر داشتن خدمات و نیز سرویس‌دهی به حوزه نفوذ خود از وضعیت نسبتاً مناسبی برخوردار هستند، این به معنای ایده‌آل بودن شرایط نبوده و تا رسیدن امکانات مراکز مجموعه و حوزه به مرز استانداردها و ضوابط خدمات‌رسانی روستاهای کشور راه زیادی در پیش است. در گروه امور آموزشی، تعداد دبیرستان شبانه‌روزی در هر دو دوره متوسطه اول و متوسطه دوم بسیار کم است. در امور بهداشتی هنوز باید کار زیادی درباره جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب و ایجاد مراکز بهداشتی - درمانی انجام شود. کمبود پمپ بنزین و جایگاه سوخت در بخش انرژی، ترمینال و وسایل حمل و نقل در گروه ارتباطات و همچنین دفتر حفظ میراث فرهنگی با توجه به وجود آثار باستانی و امکانات گردشگری در بسیاری از مراکز، دیده می‌شود. احداث دفتر ترویج کشاورزی و حوزه یا پاسگاه انتظامی به اندازه نیاز از دیگر امکاناتی است که کمبود آنها مشاهده می‌شود. در بسیاری از موارد خلأ وجود این خدمات، بیش از آنکه به دلیل کمبود آنها باشد، ریشه در نامناسب بودن نحوه توزیع در سطح مراکز دارد و نیاز به تجدید نظر جدی مسئولان و برنامه‌ریزان در این باره دارد؛ بنابراین، بهینه کردن توزیع خدمات براساس ارزیابی و نیازسنجی، ترغیب مشارکت اجتماعات برای ارزیابی شرایط، توجه به اهداف طرح‌های کالبدی و اجرای دقیق آنها مطابق با نیازها و شرایط فضایی از پیشنهادهای اساسی برای مطلوب‌تر کردن شرایط است.

کتابنامه

۱. آسایش، ح. (۱۳۸۳). *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲. اجاللی، پ. (۱۳۷۳). *تحلیل منطقه‌ای و سطح‌بندی سکونتگاه‌ها*. تهران: مرکز مدارک و انتشارات، سازمان برنامه‌و بودجه.
۳. آجودانی، ا.، و حسینی، ح. (۱۳۹۴). *مطالعه اثرات طرح‌های ساماندهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی در توسعه اجتماعی روستاها (مطالعه موردی استان اردبیل)*. *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۳ (۳)، ۱-۱۵.
۴. افراخته، ح.، ریاحی، و.، جلالیان، ح.، و سرایی، س. (۱۳۹۵). *ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات روستایی شهرستان‌های استان اصفهان*. *فصلنامه همایش سرزمین*، ۱ (۱)، ۸۱-۵۷.
۵. پاپلی یزدی، م. ح.، و ابراهیمی، م. ا. (۱۳۸۱). *نظریه‌های توسعه روستایی*. تهران: انتشارات سمت.

۶. تقوایی، م.، و نوروزی آوارگانی، ا. (۱۳۸۶). تحلیلی بر نحوه توزیع فضایی امکانات و خدمات روستایی و سطح‌بندی دهستان‌های استان چهار محال و بختیاری. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ۳(۲۴)، ۷۴-۵۹.
۷. جمعه‌پور، م. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها. تهران: انتشارات سمت.
۸. حاج یوسفی، ع. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران از آغاز تا دهه ۱۳۵۰. فصلنامه مدیریت شهری، ۲(۶)، ۱۷-۶.
۹. رستمی، ع.، بهره‌مند، س.، و سادات موسوی، س. (۱۳۹۴). تحلیل توزیع فضایی خدمات در سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: استان کهگیلویه و بویر احمد). مقاله ارائه شده در کنگره بین‌المللی جغرافیا و توسعه پایدار، تهران.
۱۰. رضوانی، م. ر. (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: نشر قومس.
۱۱. ریاحی، و.، مرزی، ح.، و حمیدی، م. س. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی نابرابری در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سقز. جغرافیا، ۱۳(۴۴)، ۷۲-۴۷.
۱۲. شکور، ع.، خورسند نیا، م. ع.، و صفرپور، م. (۱۳۹۲). تحلیلی بر نحوه توزیع فضایی امکانات و خدمات روستایی و سطح‌بندی روستاهای بخش درودزن مرودشت. فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۲(۵)، ۷۹-۶۳.
۱۳. صالح‌پور، ش.، و افراخته، ح. (۱۳۹۵). تحلیل سطح توسعه خدمات بهداشتی-درمانی از منظر عدالت فضایی (مورد مطالعه: سکونتگاه‌های روستایی استان آذربایجان غربی). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۱(۳۶)، ۱۷-۳۴.
۱۴. صیدایی، ا.، و سادات حسینی، س. (۱۳۹۱). دیدگاه‌ها و نظریات توسعه روستایی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
۱۵. غفاری، ر. (۱۳۸۰). کنکاشی در مفهوم سامان دهی نظام فضایی سکونتگاه‌های روستایی. فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، ۱۰(۳۹)، ۴۴-۴۸.
۱۶. فرید، ی. (۱۳۷۳). جغرافیا و شهرشناسی. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
۱۷. قنبری، ا.، و موسوی، م. (۱۳۹۰). قطب‌های رشد به‌مثابه رویکردی در عدم تعادل‌های ناحیه‌ای ایران. فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی، ۱۱(۳۴)، ۷۲-۵۰.

۱۸. ملکی، س.، احمدی، ر.، و ترابی، ذ. (۱۳۹۴). بررسی عدالت فضایی در توزیع امکانات و خدمات بهداشتی-درمانی در شهرستانهای استان خوزستان. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیایی سرزمین، ۱۲(۴۶)، ۱-۲۲.
۱۹. مهندسان مشاور DHV از هلند. (۱۳۷۱). رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی (جلد اول). تهران: سلسله انتشارات روستا و توسعه.
۲۱. یاسوری، م.، امامی، ف.، و سجودی، م. (۱۳۹۵). عدالت فضایی بهره‌مندی از امکانات و خدمات در سکونتگاه‌های روستایی دهستان‌های استان گیلان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۶(۴۱)، ۹۵-۱۱۶.

23. Asthana, S., & Halliday, J. (2004). What can rural agencies do to address the additional costs of rural services? A typology of rural service innovation. *Health & Social Care in the Community*, 12(6), 457-465.
24. Berry, S. (2004). *Rethinking the future for rural service delivery*. Ruralnet UK. Retrieved from http://beamends.typepad.com/simons_blog/files/vision2004.pdf
25. Bulus, J. S., & Adefila, J. O. (2014). The study of rural infrastructural facilities in Kajuru area, Kaduna State of Nigeria: A spatial analysis for planning. *International Journal of Humanities and Social Science*, 4(2), 286-295.
26. Campbell, J. (1972). Growth pole theory, digraph analysis and interindustry relationships. *Tijdschrift Voor Economische en Sociale Geografie*, 63(2), 79-87.
27. Capello, R. (2016). *Regional economics* (2nd ed.). New York: Routledge.
28. Fischer, K. (2011). Central places: the theories of von Thünen, Christaller, and Lösch. In *Foundations of location analysis* (pp. 471-505). Boston, MA: Springer.
29. Gane, M. (2007). *Forest strategic management and sustainable development for the forest sector*. Cham: Springer Science & Business Media.
30. Halloran, J., & Vera, K. C. (2005). Basic social services in rural settlements—Village and remote homestead community care-giving: Synthesis report. Retrieved from http://pdc.ceu.hu/archive/00004294/01/1138966400_93475.pdf
31. Higgs, G., & White, S. D. (1997). Changes in service provision in rural areas .Part 1: The use of GIS in analysing accessibility to services in rural deprivation research. *Journal of Rural Studies*, 13(4), 441-450.
32. Lasuen, J. R. (1969). On growth poles. *Urban Studies*, 6(2), 137-161.
33. Ríos-Carmenado, I. D. L., Díaz-Puente, J. M., & Cadena-Iñiguez, J. (2011). La iniciativa LEADER Como modelo de desarrollo rural: Aplicación an algunos territorios de México. *Agrociencia*, 45(5), 609-624.
34. Rushton, G. (1984). Use of location-allocation models for improving the geographical accessibility of rural services in developing countries. *International Regional Science Review*.

35. Schmitt, B., Henry, M. S., Piguët, V., & Hilal, M. (2006). Urban growth effects on rural population, export and service employment: Evidence from eastern France. *The Annals of Regional Science*, 40(4), 779-801.
36. Shah, S. M. (1974). *Growth centers as a strategy for rural development: India Experience*. Chicago: The University of Chicago Press.
37. Wouterse, F. (2010). Internal migration and rural service provision in Northern Ghana. IFPRI discussion papers 952, International Food Policy Research Institute (IFPRI).